

بشریت آزاده در جهان، امروز "به عملکرد دولت آلمان نگاه می کند"!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۲



در سوگ اپوزسیون
پرو رژیم
فواد عبدالحی

خیزش توده های محروم و استثمار شده در شهرهای ایران از یک هفته اخیر تاکنون، فانتزی سیاسی و خیال پلوی خیلی ها از جمله اپوزسیون اصلاح طلب پرو رژیم را به کابوس تبدیل کرده است.

امروز دیگر نخواستن حکومت و نمادین یک ذره توهم به بالهای نظام نزد محرومین جامعه، به یک فرض انکار ناپذیر سیاست در ایران تبدیل شده است.

جنبش عبور از نظام اینبار نه فقط اسیر امید بستن به "فرشته نجات" از بالا نشد، بلکه مستقلا و از پایین به نفع پیشبرد خط مشی محرومین جامعه بهره جست.

شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا"، عملا کل نظام را نشانه گرفت و تاکنون هر دو جناح رژیم را کیش و مات کرده است. ... صفحه ۲



جاماندگان تاریخ!
آذر مدرسی

خیزش استثمار شدگان و گرسنگان در ایران فقط زمین را زیر پای جمهوری اسلامی نلراند. همزمان خواب طیف متلون نیروهای راست از ناسیونالیستهای پرو غرب تا اصلاح طلبان برون حکومتی، از دول غربی تا دستگاه تبلیغاتی مانند "ایت الله" بی بی سی، را هم آشفته کرد.

همه و از هر طرف در مقابل "عوام شورشی" و "غیر متخصص" در لباس مشاوران، "خبرگان" سیاسی، "رهبران" و "الیت" متخصص "واجد شرایط" کسب قدرت سیاسی، "راه حل" و "راه برون رفت" از این "بحران سیاسی" غیرقابل کنترل و غیرقابل مهار، را پیش پا گذاشتند.

راه حل هایی نه برای رسیدن محرومین به حق و مطالبات شان، که اساسا برای خلع ید محرومین از قدرت است. ... صفحه ۳



ایست!
گودالوپ دیگری در
کار نیست!
خالد حاج محمدی

با عروج موج اعتراضات عدالتخواهانه مردم ایران علیه استثمار و بردگی، با گسترش فوری این اعتراضات به همه شهرهای بزرگ و کوچک، به دانشگاهها و... و زمانی که همه احساس کردند، شورش گرسنگان به تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است، زمانی که حاکمین بر ایران سراسیمه شده و ترس و نگرانی سراپایشان را فرا گرفت، ناگهان دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا و مایک پنس معاون او و تیم همراهشان، کفش و کلا کرده و لباس "دفاع" از مردم ایران را به تن کردند. آنها در کمال وقاحت و فرصت طلبی سعی کردند، تخاصمات تاکنونی خود با جمهوری اسلامی را با پرچم "دفاع از حقوق" مردم ایران تزئین کنند. ... صفحه ۴

به پیشواز ظریف در نشست اتحادیه اروپا؛ دیداری که باید به کام شان زهر شود!

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب
حکمتیست (خط رسمی)

یورو نیوز هشت ژانویه نوشت: "اتحادیه اروپا قصد دارد از محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران برای گفتگو درباره اعتراضات ۱۰ روز گذشته در این کشور دعوت به عمل آورد. این خبر روز یکشنبه توسط زیگمار گابریل، وزیر خارجه آلمان اعلام شد!"

این بعلاوه فراخوانی است به همه ایرانیان در خارج کشور که به استقبال ظریف بروند! تا اگر جرات حضور در نشست اتحادیه اروپا را دارد، این دعوت به کام خود و تیم همراه اش، زهر شود! تشکیلات خارج از کشور حزب حکمتیست، همه سازمانها، احزاب و شخصیت ها، مردم آزادیخواه و برابری طلب در خارج از کشور را فرامیخواند که به این حضور اعتراض کنند! پا به پای مقامات حکومت سرکوب و اختناق و فقر، خود را برای این نشست و برای تبدیل کردن آن به تریبون صدای حق طلبی مردمی که در اعتراضات اخیر مشروعیت ظریف و نظام و همه نهادهایشان را باطل کرده اند، تدارک ببینند. تشکیلات خارج از کشور حزب حکمتیست در اطلاعیه های بعدی، عموم را از نتیجه این دعوت مطلع خواهد کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد برابری
تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (رسمی)
۸ ژانویه ۲۰۱۸

آزادی
برابری
حکومت کارگری

بشریت آزاده در جهان، امروز "به عملکرد دولت آلمان نگاه می کند"!

هاشمی شاهرودی در شهر هانوفر آلمان است. شاهرودی رد پایش در سرکوب ها، اعدام ها و سیاست های ضد بشری جمهوری اسلامی شناخته شده است. اگر محاکمه شاهرودی در ایران بدلیل حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی ممکن نبود امروز اما حضور او در آلمان فرصتی است برای محاکمه اش به جرم جنایت علیه بشریت. شاهرودی، دست کمی از پینوشه، قاتل مردم شیلسی، ندارد. بیست سال پیش خبر حضور پینوشه در انگلیس نیز، بلافاصله با خواست محاکمه او از طرف بازماندگان جنایات او	در شیلی و مردم آزادیخواه انگلیس روبرو شد، خواستی که دولت انگلیس را ناچار کرد یک هفته بعد او را در لندن بازداشت کند. شاهرودی هم باید به همان ترتیب، فوراً بازداشت و به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه و مجازات شود. دولت آلمان که امروز رابطه دوستانه ای با جمهوری اسلامی دارد، قطعاً به هر ترفندی دست خواهد زد تا شاهرودی را نجات دهد. همانطور که دولت انگلیس پینوشه را فراری داد. بازی در چارچوب قوانین آلمان و اینکه طبق قوانین این کشور	یا جرم در آلمان انجام گرفته باشد و یا شاکی آلمانی باشد، اولین تلاش دولت آلمان برای نجات این جنایتکار بود. تلاشی که زیر فشار افکار عمومی به سرعت شکست خورد و دولت آلمان ناچار شد امکانی برای ثبت شکایت از شاهرودی ایجاد کند. شاهرودی، اما تنها رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی نیست، بلکه بخشی از کل دستگاه سرکوب و کشتاری است که جنایاتش محدود به ایران نیست. شاهرودی در کنار خامنه ای و رفسنجانی مسئول ترورها، قتل مخالفین سیاسی	و شخصیت های اپوزیسیون در خارج کشور است. هر نوع مداخلات، هر نوع ترفندی برای نجات جان و فراری دادن این جنایتکار از طرف دولت آلمان، عملاً سران دولت آلمان را شریک جرم جنایات شاهرودی و سران جمهوری اسلامی علیه بشریت خواهد کرد. خواست محاکمه شاهرودی، جنایتکاری همدیف پینوشه، باتیستا، هیتلر و تمامی جنایتکاران شناخته شده دنیا، نه محدود به ایرانیان خارج از کشور، نه حتی کل مردم ایران، بلکه خواست هر انسان آزادیخواه در آلمان و
مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، زنده باد برابری	تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیت (خط رسمی) ۱۷ دیماه ۱۳۹۶ ۷ ژانویه ۲۰۱۸		

فکر می کردند که می توانند یک نظام اسلامی باز و خوشحیم شده در ایران را بعنوان نهایت سعادت و رفاه به جامعه و مردم محروم حقه کنند. محاسبات شان مثل دوره های پیش (دوره سازندگی رفسنجانی، دو خرداد خاتمی و دوره جنبش سبز موسوی)، اینبار نیز در دوره دولت اعتدال روحانی و نرمش قهرمانانه آقا، با سد محکم واقعیات سیاسی ایران روبرو شده است. قیافه هاشان امروز تماشایی است که از خواب بیدار شده اند و می بینند که مردم محروم در خیابان به کمتر از بزرگ کشیدن نظام "مقدس" جمهوری اسلامی رضایت نمی دهند و در سیرک جز بازیگر و تماشاگر خودی کسی نمانده است. بدین ترتیب یک سرمایه گذاری چندین ساله همراه با تمام	در سوگ ... همه هرآنچه تحت عنوان "گشایش اقتصادی" و "ایران جزیره آرامش و ثبات در منطقه" بافته بودند، رشته شد! از سازمان اکثریت و فرخ نگهدار و حزب بی بی سی تا امثال ابراهیم نبوی ها و بهنودها و کل جبهه موسوم به "اصلاح طلبان" معتدل شده به زیر عبای روحانی و دولا شده در حضور مقام معظم را به دریوزگی در مقابل عروج جنبش استعمارشدگان انداخته است. اینها آمده بودند تا رخسار "غیر خشن" و رام شده نظام اسلامی را در مقایسه با داعش به مردم ایران بفروشد. عمری است که این بیمایه های عالم سیاست، شعور و فرهنگ مردم ایران را به سخره گرفته اند.	سهامدارانش (توده ای، اکثریتی و ملی - اسلامی) دارد دود می شود و هوا می رود. از یک دوره کار طاقت فرسا در راه تثبیت نظام اسلامی، علی مانده و حوض اش! اما واقعا دلیل این همه حقارت چیست؟ کم شعوری سیاسی؟ دلال مسلکی در سیاست؟ بی افقی و بی آیندگی؟ هم نشینی دیروزشان با سلطنت و هم افقی امروزشان با جمهوری اسلامی؟ شرق زدگی آل احمدی؟ ابن الوقتی سیاسی؟ عادی شدن ولگردی سیاسی در اپوزیسیون؟ همگامی با "طبقه متوسطی" که گویا در میان سنت و تجدد سرگردان است؟! اپوزیسیون اصلاح طلب پرو رژیم تمام این خصوصیات را یکجا در خود حمل می کند. اینها مظهر خالص این مشخصات سیاسی	بوده و هستند. اپوزیونی که امروز زیر شمع دولت اعتدال روحانی ورد می خواند، در مقطع ۳۰ خرداد ۶۰، زیر پای خمینی را جارو می کرد. مقطعی که مردم بجای آزادی و رفاه، یک استبداد شوم مذهبی تحویل گرفتند. از آن زمان تاکنون، اینها هر دوره در کنار یکی از جناح ها و سازماندهندگان حکومت اسلامی ظاهر شده اند و بنا به شرایط موجود، ابزار یک سیاست دست راستی در مقابل مطالبات رفاهی و آزادیخواهانه مردم بوده اند. اینها را به تناوب در کنار خمینی، بنی صدر، رفسنجانی، خاتمی، موسوی دیده ایم و امروز هم در کنار روحانی انجام وظیفه می کنند. سالها تمام هنر، تخصص و مهارت این طیف در خدمت این امر بوده
مرگ بر جمهوری اسلامی!	زنده باد سوسیالیسم!		

جاماندگان ...

راه حل هایی که ضد آزادی و رفاه و دقیقا در مقابل خیزش و جنبش اخیر علیه فقر و استبداد است.

این خیزش برخلاف جنبش سبز در میان هیچکدام از این نیروها و جریانات ارتجاعی طرفدار ندارد و هر کدام در تلاش اند آن را به نحوی مهار کنند.

جمهوری اسلامی به سیاق همیشه با سرکوب و دستگیری و بگیر و ببند به جنگ این جنبش می‌رود و نیروهای شخصیت‌های راست در اپوزیسیون، جریانانی که سنتا و تاریخی عناصر سناریوهای ارتجاعی غرب و در راس آن امریکا هستند، نیز به سیاق همیشه تلاش میکنند جنبشی که از اعماق جامعه برای آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی، به میدان آمده را به "راه راست" هدایت کنند.

نیروهایی که مدتها در کما به سر می بردند و شخصیت های آن در حال کناره گیری از سیاست بودند، شخصیتها و "رهبرانی" که مدتها بود خبری از آنها نبود و در مَرخصی تحمیلی بسر می بردند، یکباره جان گرفتند.

یکی پس از دیگری قپه ها و مدالهایشان در "مبارزه علیه جمهوری اسلامی" را از پستوخانه ها بیرون کشیدند و با شعار و پرچم سفید و پوشیده "انتخابات و رفرا ند" به میدان آمده و به جنگ جنبشی می‌روند که میتواند آمال و

آرزوی آنها در دستیابی به قدرت و دست بدست شدن آن را بر باد دهد. اینها که از "رژیم چینج" توسط نیروی خارجی یا از دل دعوای داخلی و جنگ جناح ها، قطع امید کرده بودند، شورش گرسنگان را فرصتی برای زنده کردن جنازه تغییر از درون و با حفظ نظام، دیده اند.

این طیف جاماندگان تاریخ، از "دور و زمانه" خود عقب اند. پرچم "رفرا ند" و انتخابات" متعلق به گذشته ای دور است. دوره قبل از شکست سیاسی - نظامی امریکا در عراق، دوره قبل از سوریه و لیبی، دوره ای که در آن امریکا پروژه "رژیم چینج" و "انقلابات مخملی" با اتکا به "جنبش برای انتخابات آزاد و رفرا ند" و مشروعیت دخالت نظامی خود را در دستور داشت.

امروز دوره پسا سوریه، دوره پسا داعش است. سناریوی رژیم چینج امریکا بسیار خونین تر از قبل اجرا و به منتهی درجه اوج خود رسیده است! امروز درکمپ آنها، در کمپ بورژوازی جهانی، دوره ایجاد باندهای سیاه قومی و مذهبی و راه انداختن جنگهای قومی و مذهبی، بدون حمله نظامی و با کمترین ضربات نظامی، برای خود است. دوره ای که خیزش اخیر گرسنگاه و محرومان در ایران به آن فرمان ایست محکمی داد!

اگر سالهای ۸۴-۸۵ (۲۰۰۵ میلادی) رفرا ند و انتخابات آزاد پرچی برای سازش با بخشی از حاکمیت و "تحویل

گرفتن مسالمت آمیز دستگاه سرکوب"، البته بر متن حمله نظامی امریکا، و شانس برای خون پاشیدن به جامعه را داشت، امروز رفرا ند و انتخابات آزاد پرچم پوشیده و کارت سوخته ای است که حتی در هیئت حاکمه دول غربی و بخصوص امریکا هم طرفداری ندارد.

اگر در آندوره "رفرا ند" و انتخابات آزاد" طرح مشترک امریکا و نیروهای راست طرفدارش برای رژیم چینج بود، امروز نوستالژی جنبشی است که مدتها است بی افق و سرگردان در خلا به سر میبرد. جنبشی بورژوازی که به اندازه جمهوری اسلامی از انقلاب عدالتخواهانه که بنیادهای سیاسی - اقتصادی موجود را به زیر بکشد هراس دارد و علیه آن است. جنبشی که نقطه اشتراکش با جمهوری اسلامی تقابل و ضدیت با رفاه، آزادی، برابری و سعادت بخش اعظم جامعه است.

ظاهرا "بی رهبر بودن" و "بی سازمان" بودن این جنبش فرصتی برای اینها فراهم کرده است تا با وعده رفرا ند و انتخابات "رهبر" آن شوند! این جنبش رهبر و سازمان هم نداشته باشد، جنبش استثمارشدگان و فقرا، جنبش زنان و مردان آزادیخواه برای آزادی، رفاه، برابری است. این جنبش هرچند بدون رهبر و بدون سازمان، اما در مقابل همه نیروهای راست با سازمان و با رهبران معمم و مکلائی آن است، و پتانسیل عظیمی برای

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر. جنگ و تخریب. و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست. بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص. در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است. بیش از پیش صدق میکند.

کمونیست و سوسیالیست طبقه کارگر را بر فراز سر جنبش خودش بنشانند.

شکل دادن به ارگانهای رهبری خودش را دارد.

جنبشی نه برای بازگشت به دوره استبداد قبل از جمهوری اسلامی است و نه برای رفرا ند و کوتاه کردن دست بخشی از جمهوری اسلامی است. نه برای سپردن سرنوشت خود به نیروهای ارتجاعی و راست، که جنبشی برای زیر و رو کردن بنیادهای سیاسی و اقتصادی موجود، برای به زیر کشیدن حاکمیت بورژوازی است.

پروپاگاندهای رفرا ند و انتخابات و مجلس موسسان امروز، تنها و تنها برای قیچی کردن پروسه ای است که جنبش گرسنگان، جنبش محرومین بتواند رهبری متشکل،

زنده باد

انقلاب

کارگری!

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

نشریه حکمت**حزب حکمت‌پژوه (خبرنامه)****www.hekmatist.com**

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

نشریه با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

نفع جمهوری اسلامی میدانیم و روی "کمک" شما و دخالت شما شدیداً محکوم میکنیم. ما تا کنون همه جریان‌ها را راست و ارتجاعی، باندها و گروه‌های قومی و مذهبی، همه گروه‌های غیر مسئول و ارتجاعی را که به نام مبارزه با جمهوری اسلامی، به دنبالچه سیاست‌های شما تبدیل شده‌اند، روی شما و دخالت‌گری شما حساب کرده‌اند و به عنوان بخشی از دشمنان خود حساب کرده‌ایم و تلاش میکنیم بیش از پیش ایزوله و حاشیه‌ای‌شان کنیم. مردم ایران به کمک شما احتیاجی ندارند. بهتر است گورتان را گم کنید، گوادلوپ دیگری در کار نیست.

آمریکا و... زیر بغلش را گرفتند و بر شانه‌های آنها بر مردم ایران تحمیل کردند. ترامپ و همراهانش باید بدانند که مردم ایران گوادلوپ دیگری را نمی‌پذیرند.

مردم آزادیخواه ایران، تلاش‌های ترامپ به نام "دفاع از آنها" را کنار مقابله و جنگ روزانه خود با جمهوری اسلامی میگذارد. ما علیه جنایت و توحش و بردگی در ایران و هر جای دیگر جهان هستیم. مردم در ایران، دولت آمریکا و کانگستر تازه به قدرت رسیده‌اش را به عنوان بزرگترین دولت تروریستی جهان به حساب می‌آورند. مردم آزادیخواه در ایران از ترور و جنایت به ستوه آمده‌اند، از قلدری و آدم کشی و از تروریسم و آدم ربایی، از فقر و استثمار و استبداد، متنفرند.

جنگ و جدال ترامپ و حاکمین آمریکا با ایران، جنگ ما مردم کارگر و زحمتکش، ما زن و جوان و مرد آزاده این جامعه نیست. جنگ و جدال مرتجعین عربستان و حاکمین جنایتکار اسرائیل با جمهوری جنایتکار اسلامی جنگ ما نیست. صف ما استثمار شدگان، ما زنان و مردان آزادیخواه، برای عدالت و برابری و جامعه‌ای انسانی از ایران تا آمریکا و از اسرائیل و فلسطین تا همه جهان یک صف هم منفعت است. رهایی واقعی ما زمانی ممکن است که به حاکمیت همه شما پایان داده باشیم.

ما برای برابری و عدالت اجتماعی، برای جامعه‌ای مرفه و انسانی و آزاد، با جمهوری اسلامی در جنگیم. ما دخالت دولتهای منطقه را در هر شکل و به هر شیوه‌ای علیه خود و به

ترامپ چهره منفور هیئت حاکمه آمریکا، کسی که در امتداد قلدران و چکمه پوشان تا کنونی حاکم بر این کشور در راس بزرگترین ماشین جنگی جهان است، و در تلاش است نقش ژاندارمی خاتمه یافته خود را به قیمت تباهی زندگی و هستی صدها میلیون انسان در خاورمیانه و در گوشه و کنار دنیا ابقا کند، در میان مردم آزادیخواه و متمدن ایران جایی ندارد. مردم ایران این کلاشی ترامپ و حاکمین بر آمریکا، این دوستی دروغین آنها با مردم ایران و دشمنی آنها با هر آنچه نشانی از تمدن و عدالتخواهی دارد را میشناسند و دست رد به سینه آنها میزنند.

مردم آزادیخواه ایران، طبقه کارگر و زن و جوان آزادیخواه ایران، تجربه دخالتگری‌های "بشر دوستانه" آمریکا و بقیه دول مرتجع جهان را در عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و... دیده است. ما تجربه سازمان یافتن صدها گروه تروریستی و جنایتکار توسط دولت آمریکا و متحدینش را در جهان داریم. مردم ایران احتیاجی به کمکهای دولت ترامپ ندارند.

مردم آزادیخواه ایران علیه حاکمیتی به میدان آمده‌اند که در انقلاب آزادیخواهانه ۱۳۵۷ ایران، بر دوش همین دولتهای غربی و از جمله دولت آمریکا و متحدین او، برای شکست عدالتخواهی طبقه کارگر و آزادیخواهان ایران، به این جامعه تحمیل شد. خمینی و حاکمین امروز ایران همانهایی هستند که توسط رسانه‌های غربی، توسط دولتهای غربی و برای رفع خطر چپ و عدالتخواهی، بزرگشان کردند و همین دولتهای غربی و از جمله

ایست...

اعلام کردند که جوانان ایران روی "پشتیبانی" امریکا حساب کند. ...

جمهوری اسلامی نیز درست مانند هیئت حاکمه آمریکا و به روال همیشگی خود، کمترین شکی به خود راه نداد و اعلام کرد دست بیگانگان و مشخصاً آمریکا، اسرائیل، عربستان و ... در کار است. آنها نیز تلاش کردند بر ادعاهای پوچ ترامپ سرمایه گذاری کنند و توجیه مناسب و عامه پسندی را برای تعرض خود به آزادیخواهان، برای سرکوب اعتراضات و پرونده سازی‌های کذایی خود دست و پا کنند. دو جبهه ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع حاکم بر ایران، که ظاهراً در مقابل هم صف کشیده‌اند، هر دو خفه کردن جنبش استثمار شدگان را نشانه گرفتند.

قرار است این شارلاتانیسم سیاسی هیئت حاکمه آمریکا، امکانی برایشان ایجاد کند که خیزش انقلابی این دوره را بتوانند از ریل خود خارج و آنرا بهانه و محملی برای دنبال کردن اهداف سیاه و پلید خود و به سرانجام رساندن دعوای قدیمی خود با جمهوری اسلامی کنند. قرار است این فریب کاری و حقه بازی سیاسی ترامپ، و هیئت حاکمه آمریکا، استثمار شدگان به پا خاسته را به دنبالچه آمریکا و به ابزار اعمال فشار آنها در تخصیصات با جمهوری اسلامی تبدیل کند. اما کور خوانده‌اند! امروز نه تنها مردم ایران که بشریت متمدن جهان نقش مخرب ترامپ و دولتش را برای هزارمین بار تجربه کردند.